

جنبشی علیه طبقه حاکم، جنبشی در دست طبقه حاکم

با به پای تحرکات جناح‌های بین‌المللی طبقه حاکم، برای تعیین تکلیف آینده ایران، خیزش از پایین نیز تداوم دارد. اعتراضات دم به دم فزونی می‌گیرد. دو جبهه جدال در «بالا» و «پایین» بر سر آینده ایران گشوده شده است. در «بالا» قدرت‌نمایی دیپلماتیک و نظامی دولت‌ها قرار دارد و در پایین، فریاد اعتراض استثمarderگان و ستم‌دیدگان. بالایی‌ها، در پی مبدل ساختن جنبش اعتراضی به اهرم جنگ قدرت هستند. پایینی‌ها، این بستوه آمدگان از نظم جهانی، در پی رهایی‌اند. بالایی‌ها میکوشند تا با راندن جنبش‌های اعتراضی بزیر پرچم‌های قومی، نژادی و مذهبی، بازار مرگ و سلاح را رونق بخشند. پایینی‌ها صدای خود علیه بیعدالتی و تبعیض، علیه فقر و استثمار را رساتر می‌سازند. فریادی مشترک که بیش از بیست‌وپنج سال در محله و کارخانه و خیابان جاری است.

جناح‌های بین‌المللی سرمایه در حال قطع امید از جمهوری اسلامی و معامله برسر آینده ایران هستند. اینان میکوشند تا به مدد امکانات عظیم رسانه‌ای، جنبش سراسری را در دسته‌های متفرق قومی، مذهبی و جنسی، از جنبشی علیه طبقه حاکم به جنبشی در دست طبقه حاکم بدل سازند. از همین رو نیز، با سرمایه‌گذاری و تبلیغات ریاکارانه در باره خیزش «ترک‌ها» و «کرد‌ها» و «بلوچ‌ها» در حال تهی کردن جنبش اعتراضی از جوهر انسانی و طبقاتی خود هستند. چنین میکنند، چرا که، هر زدوبند سیاسی در بالا، مشروط به مهار جنبش اعتراضی است. زیرا هر تعیین تکلیف از بالا، مستلزم شکستن یکپارچگی طبقاتی اعتراض از پایین است. بالایی‌ها، در لوس‌انجلس، مسکو و برلین و تهران، میکوشند با خارج کردن بخشی از ماشین اداری سیاسی سرکوب و احیای مجدد آن در هویت‌های قومی و زبانی، کل این نظام جهانی را از زیر ضرب اعتراضات کارگری خارج سازند.

جمهوری اسلامی از دو جبهه مورد اعتراض است. اعتراضی از بالا، برای اصلاح نظام، اعتراضی در پایین برای انقلاب علیه نظام. پایینی‌ها، نه پرچمی دارند، نه سلاحی و نه بلندگوی واحدی. تنها تشدید مبارزه طبقه کارگر میتواند به آشکار شدن ماهیت متضاد این دوصف معترض به جمهوری اسلامی، یاری رساند. تنها و تنها، مبدل شدن اعتراضات پراکنده محلی و گروهی به اعتراض یکپارچه طبقاتی است که راه پیشروی بسوی عدالت و آزادی را می‌گشاید. تنها و تنها یک انقلاب قهرآمیز علیه سرمایه‌داری و مظاهر آن است که مانع جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی و جناح‌های بین‌المللی سرمایه میشود.

جنبش اعتراضی نیز از دوسو آماج حمله است. از یکسو، توسط رژیم سرکوبگر و از سوی دیگر، بوسیله جناح‌های بین‌المللی سرمایه. خیزش گسترده اخیر بر علیه کاریکاتور توهین‌آمیز روزنامه «ایران» نقطه عطفی در این مسیر است. دور جدید جنبش‌های اعتراضی، یا به تشدید مبارزه طبقاتی منجر شده و جدال جناح‌های طبقه حاکم حول بحران هسته‌ای را به یک جبهه میراند، یا اینکه، راه دسته‌های متخاصم قومی مذهبی برای کسب امتیاز از «بالایی‌ها» را هموارتر میگرداند.

همه چیز در گرو ابراز وجود بعدی مناطق و مراکز صنعتی است. یا جنبشی قومی محلی، در خدمت جناح‌های طبقه حاکم، یا جنبشی طبقاتی سراسری، علیه همه جناح‌های طبقه حاکم. راه دیگری وجود ندارد. یا انقلاب سوسیالیستی، یا بربریت سرمایه.